آثار ارسطو در روزگار قدیم

«دو هزار سال گذشت تا جهان توانست فیلسوفی همسنگ ارسطو پدید آورد.»

برتراند راسل

مسعود زنجانی: ارسطو همه اوراق و نوشته‌های شخصی‌اش را به شاگرد برجسته خود، تئوفراستوس (۲۸۶-۳۷۰ ق. م.) سپرد که پس از او جانشین وی و سرپرست لوکئوم شد. او نیز وصیت کرده بود پس از مرگش همه کتابخانه‌اش به نلئوس - که از شاگردان خود او و ارسطو بود - سپرده شود و به احتمال زیاد او را پس از خود نامزد سرپرستی لوکئوم نیز کرده بود. اما پس از مرگ تئوفراستوس، یکی از شاگردان برجسته دیگر او و ارسطو، استراتُن سرپرست لوکئوم شد. بدین سان نلئوس احتمالاً به علت نومیدی و سرخوردگی آتن را ترَک کرد و به زادگاهش اسکپسیس بازگشت و کتاب‌های تئوفراستوس را - که نوشته‌های ارسطو نیز در میان آنها بود - همراه خود به آنجا برد و برای وارثان خود باقی گذارد. اما از آنجا که وارثانش افرادی عامی بودند، آنها را در جایی نامناسب انبار کردند. مدت‌ها گذشت تا اولاد ایشان کتابخانه ارسطو و تئوفراستوس را که از رطوبت و حشرات آسیب دیده بود پیدا کردند و به مردی به نام آپلیکُن، به بهای گزافی فروختند. آپلیکُن که بیشتر مردیِ کتاب‌دوست بود تا فیلسوف، نسخه‌هایی از آنها تهیه کرد و جاهای خالی را خودش به نادرست پر کرد و کتاب‌ها را پر از غلط و اشتباه منتشر ساخت. به گزارش پلوتارک (پلوتارخوس)، هنگامی که سولا فرمانروای روم، آتن را تسخیر کرد، کتابخانه آپلیکُن را که بیشتر رساله‌های ارسطو و تئوفراستوس در آن یافت می‌شد و در آن زمان برای عامه ناشناخته بود، در اختیار گرفت و به روم منتقل کرد. پس از انتقال آنها به روم، تورانین نحوی، بیشتر آنها را تنظیم کرد و سپس نسخه‌هایی را در اختیار دانشمندی بزرگ، به نام آندرونیکوس رُدسی (سده نخست پیش از میلاد) نهاد. آندرونیکوس نیز آنها را مهذب و منقح کرد و همچنین فهرستی از آنها تهیه کرد که در آینده پیوسته اساس کار همه قرار گرفت. او کتاب‌ها را بر حسب موضوع گروه‌بندی و مرتب کرد و همچنین حواشی و یادداشت‌هایی درباره صحت انتساب و رده‌بندی هر نوشته به جای گذاشت. بدین سان با کار سترگ آندرونیکوس رُدسی، دوران نوینی از ارسطوگرایی و پژوهش درباره آثار ارسطو آغاز شد. درباره این شخصیت و فعالیت مهم وی در تنظیم و ویراستاری آثار ارسطو، در میان ارسطوشناسان عقاید و نظرات مختلفی یافت می‌شود. بسیاری از آثاری که آندرونیکوس آنها را جعلی یا ناچیز دانسته، بعدها گم شده است. اما بیشتر نوشته‌هایی که به عقیده او عمده و اصیل بوده، به صورت نسخه‌های خطی محصول قرن‌های نهم تا شانزدهم میلادی، امروز در دست است. چگونگی انتقال مطالب تا آن زمان، از چند قطعه دست‌نوشته پاپیروسی مربوط به سده سوم میلادی به بعد نمایان است. تفسیرها، به ویژه شروح متعلق به اسکندر افرودیسی (سده سوم میلادی)، منابع گرانبهای اطلاع درباره آثار گمشده است و همه تفسیرهای تا پیش از قرن نهم میلادی از حیث تعیین صحت قرائت متن‌های ارسطو سودمند است. بزرگترین مفسران ارسطو در این دوره عبارتند از: ۱- اسکندر افرودیسی قرن سوم میلادی ۲- تمیستیوس قرن چهارم ۳- آمونیوس قرن ششم ۴- فیلوپون قرن ششم ۵- سیمپلیکیوس قرن ششم ۶- بوئتیوس قرن ششم متون مفسران قدیم ارسطو در ۲۳ مجلد به وسیله آکادمی برلین تحت نظر هرمان دیلس در سال‌های ۱۸۸۳ تا ۱۸۹۲ نشر یافته است. در میان مفسران پس از سده نهم نیز، باید برای تفاسیر ابن‌رشد و توماس آکویناس مقامی ممتاز قائل شد.

کلاسیک‌ها

masoud@vivaphilosophy.com

فرگه و فلسفه تحلیلی

شرق: سلسله جلسات موسسه معرفت و پژوهش این هفته با حضور ضیاءموحد پی گرفته خواهد شد. پنجشنبه ۱۵ تیرماه از ساعت ۱۰ صبح ضیاءموحد در این موسسه با موضوع «فرگه و فلسفه تحلیلی» سخنرانی خواهد کرد. علاقه‌مندان می‌توانند جهت شرکت در این جلسه به خیابان انقلاب، خیابان ۱۶ آذر، کوچه بهنام، پلاک ۳۶، موسسه معرفت و پژوهش مراجعه کنند.

درخشش ابن‌رشد در حکمت مشاء

شرق: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، نشست «درخشش ابن‌رشد در حکمت مشاء» را برگزار می‌کند. پنجشنبه ۱۵ تیرماه از ساعت ۱۶ غلامحسین ابراهیمی دینانی در این نشست درباره کتاب خود سخنرانی خواهد کرد. علاقه‌مندان می‌توانند برای شرکت در این نشست به موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران واقع در خیابان ولی‌عصر، خیابان نوفل لوشاتو، خیابان وارطان آراکلیان مراجعه کنند.

همایش مقدماتی فلسفه برای کودکان

موسسه پیشبرد فلسفه برای کودکان همایش تابستانی فلسفه برای کودکان را طی روزهای ۲۸ مرداد تا ۵ شهریورماه در نیوجرسی ایالات متحده برگزار می‌کند. به گزارش مهر به واسطه برگزاری همایش تابستانی فلسفه برای کودکان کارشناسان، فعالان آکادمیک، دانشجویان فارغ‌التحصیل این عرصه، آموزگاران و استادان مدعو گردهم جمع می‌شوند تا به تحقیق و گفت‌وگو در این زمینه بپردازند. موسسه پیشبرد فلسفه برای کودکان هرساله در ماه مه و آگوست دو همایش فلسفی برگزار می‌کند.

کارگاه‌های این همایش آموزگاران را در راستای پیشرفت حرفه‌ای یاری کرده، برای کارشناسان فرصتی به منظور ارائه گزارش فعالیت‌های خود و همکاری با کارشناسان بین‌المللی فراهم می‌کند و حلقه کند و کاو مناسبی برای تمامی شرکت‌کنندگان در همایش خواهد بود. این همایش مقدماتی هر سال در ماه آگوست برگزار می‌شود و شرکت‌کنندگان در کارگاه‌های آن درباره تاریخ فلسفه برای کودکان، تمرین بخش‌های مختلف برنامه فلسفه برای کودکان و گفت‌وگو درباره برخی از ابعاد نظری فلسفه برای کودکان را می‌آموزند.

زخم مدینه

شرق: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به مناسبت سالروز شهادت حضرت فاطمه‌الزهرا- سلام‌الله علیها- ویژه‌نامه الکترونیکی «زخم مدینه» را منتشر کرد. به گزارش روابط عمومی این دفتر نشریه مذکور به انعکاس عزاداری شهادت حضرت زهرا- سلام‌الله علیها- با حضور معظم‌له می‌پردازد. علاقه‌مندان برای بازدید از این نشریه می‌توانند به پایگاه اطلاع‌رسانی www.Khamenei.ir مراجعه کنند.

خبرچین

گزارشی از هیات حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی

نظریه‌پردازان بر کرسی حمایت

گروه اندیشه: هیات حمایت از کرسی‌های علمی در اواخر سال ۱۳۸۲ توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی راه‌اندازی شد. اخیراً این شورا با ترمیم تشکیلات دبیرخانه به ریاست دکتر داوری اردکانی برنامه‌های تازه‌ای پیش رو دارد. این هیات تازه ۱۵ عضو دارد که نیم بیشتر آنها شخصیت‌های حقوقی و جزء روسای برخی از دانشگاه‌ها و موسسات علمی مهم‌اند و مابقی شخصیت‌های حقیقی‌اند که با حکم رئیس جمهور به عضویت هیات درآمده‌اند. از جمله فعالیت‌های جدید این هیات، بازنگری در آیین‌نامه قبلی برگزاری کرسی‌ها است. آیین‌نامه قبلی برگزاری کرسی‌ها به سه آیین‌نامه جداگانه تحت عناوین کرسی‌های نوآوری، کرسی‌های نظریه‌پردازی و کرسی‌های نقد و مناظره تعریف شده است. این کرسی‌ها مجامعی آکادمیک به شمار می‌روند که بر اساس دیدگاه هیات مزبور، یک محقق نتیجه فعالیت علمی خود را در آن ارائه نموده و از نقدها و ارزیابی‌های متخصصان عالی رشته مربوط بهره‌مند می‌شود. کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره با اعلام آمادگی یا دعوت یکی از محققان می‌تواند در دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و یا موسسات تحقیقاتی کشور برگزار شود ولی برای برگزاری یک کرسی، ابتدا محقق باید خلاصه نوآوری، نظریه و یا نقد خود را در قالب فرمی که از قبل طراحی شده ارائه دهد. هر کرسی یک کمیته داوران واجد شرایط دارد. پس از تشکیل کمیته داوران خلاصه نوآوری، نظریه و یا نقد در کمیته داوران بررسی خواهد شد.

در آیین‌نامه‌های برگزاری کرسی‌ها این گونه آمده است که کمیته داوران پس از برگزاری کرسی، مباحث را جمع‌بندی نموده و نظر خود را به تفصیل درباره نوآوری، نظریه و یا نقد مزبور اعلام خواهد کرد. اما این اظهارنظر به معنای قضاوت نهایی نخواهد بود و تنها زمینه ارتقا و پیشرفت یک نظریه را فراهم خواهد کرد.

در برنامه‌های تازه این هیات فواید و آثار کلی مترتب بر برگزاری کرسی‌ها در دوازده بند تعریف شده که برخی از آنها عبارتند از: ۱- ایجاد زمینه نقد عالمانه و منصفانه دیدگاه‌ها و نظریات نو از سوی جامعه علمی مربوط. ۲- رفع برخی زمینه‌های سوءاستفاده‌های سیاسی از ساحت علم و طرح مباحث تخصصی در محافل عمومی به قصد ایجاد تزلزل عقیدتی و یا تشویش اذهان عمومی. ۳- ایجاد زمینه لازم برای گسترش فرهنگ نقد و نوآوری در کشور. ۴- کمک به رفع برخی گره‌ها و تقابلات علمی میان طیف‌های فکری کشور (به‌ویژه در مناظره‌ها). ۵- کمک به شفاف‌سازی ظرفیت‌ها و ایجاد امکان شناسایی استعدادهای علمی ناشناخته و نوآوری‌ها و نظریه‌های جدید. ۶- کمک به استانداردسازی روش‌های پژوهشی، ارتقای کیفیت پروژه‌های تحقیقی و شفاف‌سازی خاستگاه‌ها و مراجع علمی. ۷- فراهم‌سازی فرصت‌های مناسب برای بهره‌برداری از دستاوردهای علمی در کشور.

حجت‌الاسلام والمسلمین رضا غلامی عضو هیات علمی پروژه ملی جهانی شدن در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و مشاور عالی رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که در حال حاضر مشغول تحصیل دروس خارج فقه است با عنوان دبیر هیات حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره ضمن تشریح چگونگی فعالیت‌های این هیات بر لزوم تاسیس و فعالیت این هیات در حوزه علوم انسانی تاکید و به این نکته اشاره کرد که کمیته‌های نقد و داوری در زمینه سنجش علمی پیش از تاسیس این هیات روند دیگری داشت. وی تاسیس این هیات را تلاشی در جهت دقیق‌تر شدن مسیر این حمایت‌ها در حوزه علوم انسانی و معارف دانست. دبیر هیات حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره درباره چگونگی تشخیص نوآوری گفت: «برای نوآوری مصادیق بسیاری هست. در این هیات نوآوری‌ها مورد نقد و داوری قرار می‌گیرد که البته این نقدها با جلسات نقد و بررسی کتاب تفاوت دارد و ناظر به تئوری‌های موجود است و نظرات داوران متخصص در این زمینه تعیین‌کننده است. برای شکل‌گیری کرسی در دانشگاه فردی که مدعی وضع یک نظریه است به معاونت پژوهشی دانشگاه خود مراجعه کرده و خلاصه دیدگاه‌های خود را مطابق آئین‌نامه به دانشگاه می‌دهد. پس از بررسی دانشگاه و تشخیص اینکه آیا این پژوهش نوآورانه است کمیته‌ای برای بررسی دقیق‌تر تشکیل می‌شود. شرایط انتخاب این کمیته صرفاً علمی است.» حجت‌الاسلام والمسلمین رضا غلامی درباره انتخاب اساتید مجرب برای نقد و بررسی علمی پژوهش‌ها گفت: «گاهی اوقات تشکیل کمیته نیاز به زمانی طولانی دارد، از آنجا که تلاش می‌شود که کمیته به لحاظ علمی از صلاحیت بالایی برخوردار باشد.» حجت‌الاسلام والمسلمین رضا غلامی ضمن ارائه توضیحی دقیق از چگونگی برگزاری جلسات افزود: «پس از تشکیل کمیته اعضا نقدهای خود را مطرح می‌کنند و صاحب نظریه از خود دفاع می‌کند، براساس این جلسه کمیته داوران امتیازهای خود را درخصوص نظریه ارائه می‌کنند که در این مراحل طی یک جمع‌بندی نهایی امتیاز نهایی برای صاحب‌نظریه در نظر گرفته می‌شود.»

نکته دیگر در مورد نقد و بررسی نظریه‌ها ارائه دیدگاه‌ها در قالب کتاب و مقالات است. ممکن است صاحب یک نظریه پیش از ارائه نظریه خود در چارچوب اداری و آکادمیک به شکل آزادتری موضوع خود را در رساله، مقاله و یا کتابی عرضه کرده باشد و آن نظریه پیش از طی این مراحل جایگاه خود را در عرصه آکادمیک یافته باشد. حجت‌الاسلام والمسلمین غلامی در پاسخ به این پرسش که هیات مذکور چگونه از تاثیر گذاشتن این پیشداوری‌ها جلوگیری می‌کند، گفت: «این هیات کمیته مرکزی داوری ندارد که نظریه‌ها و نقدها تنها از کانال یک مرجع علمی عبور کند. کمیته داوران این هیات مستقل است و توسط گروه‌های مربوط انتخاب می‌شود و شرایط علمی آنها مورد تایید است.» وی با اشاره به ۱۹ کرسی برگزار شده در گذشته گفت: «با همفکری‌های خوبی که میان افراد معرفی شده وجود داشت این کار میسر شده و اغلب اساتید از محققان پیشکسوت در رشته مورد بحث بودند.» وی افزود: «در نقدها تلاش بر این است که از داورانی استفاده شود که به نوعی در مورد رشته و نظریه مورد بحث به صورت جدی کار کرده‌اند و برای شرکت‌کنندگان در جلسات هم محدودیتی نیست و مسیر کاملاً باز است.» وی نقد را تلاشی در جهت حمایت و مطرح شدن پژوهش‌ها دانست و گفت: «گاهی اوقات پژوهشی پیش از انتشار در قالب کتاب سال‌ها با نقد جدی مواجه نمی‌شود و این باعث نادیده ماندن برخی از پژوهش‌ها است.» در پایان دبیر هیات حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره به خلاء موجود در علوم انسانی اشاره کرد و گفت: «تشکیل این کمیته براساس این فرضیه شکل گرفت که جریان تولید علمی کشور به صورت ضعیفی به حیات خود ادامه می‌دهد و پژوهش در علوم انسانی از رونق کافی برخوردار نیست. این هیات با هدف پاسخگویی به نیازهای جدی کشور تاسیس شده و براساس سیاست کمی عمل نمی‌کند.» این هیات که در زمینه علوم انسانی و معارف اسلامی فعالیت می‌کند قرار است که از سوی وزارت علوم به سایر رشته‌ها بپردازد.

عکس: میلاد پیامی، شرق

آنقدرها هم جدی نیست

حمیدرضا ابک: اگر روزنامه‌نگار باشید و یک روز بهترین نوشته عمرتان را جلوی در یک میوه‌فروشی، زیر پای مردم ببینید چه احساسی به شما دست می‌دهد؟ اولین عکس‌العملتان احتمالاً این است که مردم چقدر قدرناشناسند. اما آیا واقعاً این‌طور است؟ روزنامه کالای نسبتاً ارزانی است و اصلاً غیرطبیعی نیست که عده‌ای از آن برای مصارفی نظیر پاک‌کردن شیشه و پیچیدن سبزی استفاده کنند. برای میوه‌فروشی‌ها به هیچ‌وجه اقتصادی نیست که سبزی‌هایشان را در کاغذ گلاسه ۱۲۰ گرم سفید بپیچند. بگذریم که کاغذ گلاسه و امثالهم اساساً به درد شیشه پاک‌کردن نمی‌خورند. از سوی دیگر کالایی به‌نام روزنامه تاریخ مصرفی به درازای ۲۴ ساعت دارد. پس از آن زمان روزنامه روز دیگر منتشر می‌شود و قاعدتاً روزنامه‌خوان‌ها به دنبال روزنامه دیروز نیستند. اتفاقاً هم به دلیل دوره مصرف کوتاه است که مکانیسم توزیع روزنامه در کشور ما دچار مشکلات عدیده است و رساندن به موقع و مناسب آن به‌دست مخاطب کاری است بس دشوار. شاید به همین دلیل باشد که خیلی‌ها اصرار دارند مطالب منتشر شده در روزنامه باید با اتفاقات روز نسبت داشته باشند وگرنه فرق روزنامه و مجله و کتاب چیست؟ تا اینجای کار روشن است که زیر پا رفتن مطلب شما ربطی به حق‌ناشناسی مردم ندارد. آنها احتمالاً مطلب شما را خوانده‌اند و بعد هم در نهایت احترام آن را به کناری انداخته‌اند.

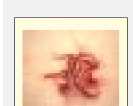

نجوا

اما یک نکته دیگر. شاید بد نباشد هرازگاهی چنین اتفاقی برای روزنامه‌نگارها بیفتد. روزنامه‌نگاری هم شغلی است مثل شغل‌های دیگر. روزنامه‌نگارها تلاش می‌کنند و زحمت می‌کشند و حاصل کارشان را به دیگران عرضه می‌کنند. اما مگر بقیه چه می‌کنند؟ مگر تلاش آنها کمتر از تلاش روزنامه‌نگاران است؟ حالا اگر مدیر یک کارخانه تولید شیر، پاکت شیر شرکت را زیر پای کسی دید، باید علیه او اقامه دعوی کند؟ یا دیگران را متهم به قدرناشناسی کند؟ وقتی هفته گذشته این اتفاق برای خودم افتاد، اگرچه روزنامه را از روی زمین برداشتم تا عکس استاد مجتهد شبستری را زیر دست و پا نبینم، با خودم گفتم: آقا فکر کردی چه خبر است. کارت آنقدرها هم مهمتر از کارهای بقیه نیست که بخواهی به‌خاطر چنین اتفاقی رگ گردنی شوی.

hamidreza_abak@yahoo.com

افکار عمومی و حوزه عمومی

بابک حقیقی‌راد: افکار عمومی Public Opinion دارای دو ویژگی اساسی است: از یک طرف اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین شکل رفتار جمعی است و از طرف دیگر ابزاری برای کنترل اجتماعی به حساب می‌آید. افکار عمومی زمانی وارد عمل می‌شوند که وضعیتی ویژه و غیرعادی پدید آمده باشد و در این وضعیت مردم کاملاً فعالانه نظرات مخالف خود را در رابطه با موضوع مورد نظر مطرح کنند و یا اینکه عملکردهای گروهی خاص توسط گروه مخالف مورد نقد قرار گیرند. توجه به افکار عمومی به لحاظ تاریخی با شکل‌گیری حکومت‌های مردمی گره خورده است. حاکمان در طول تاریخ درک نموده‌اند که پایداری و دوام و حفظ مشروعیت حکومتشان در گرو بررسی و تحلیل دیدگاه‌های مردم نسبت به مسائل اساسی جامعه و به‌دنبال آن پیش‌بینی واکنش‌های مردم در برابر سیاست‌هایی است که در حوزه‌های مربوطه توسط حکومت اعمال خواهند شد. اما حوزه عمل افکار عمومی فراتر از چهارچوب روابط دولت و شهروندان است. حوزه‌های کاملاً سلیقه‌ای و شخصی چون نوع لباس، موسیقی‌ها یا مبلمان منزل نیز به نظرات گروه همسالان و همسایگان که مرتباً در حال تغییر هستند حساس هستند. پشتوانه افکار عمومی نه تقدس حاصل از سنت و نه قواعد و مقررات قانونی است. تنها منبع قدرتی که افکار عمومی از آن تغذیه می‌کند، توافق است و این اصل بنیادی که مردم می‌توانند نظرات خود را آزادانه تغییر دهند و هیچ توافقی دائمی و ثابت نیست. در چهارچوب ایده «افکار عمومی» احترام به نظرات مخالف بسیار اساسی و مقدمه شکل‌گیری مباحثه عمومی در جامعه است.

حوزه عمومی Public Sphere

با شکل‌گیری انقلاب صنعتی و تحت تاثیر شهری شدن و صنعتی شدن فزاینده، خانه و محیط کار از یکدیگر متمایز شدند. به این معنا حوزه خصوصی و خانوادگی با زن و فرزندان و حوزه عمومی با مردان بالغ مشخص شد. جامعه‌شناسی صنعتی با مدنظر قرار دادن اصل «مدل شغلی برای مردان» و «مدل جنسیتی برای زنان» عمل می‌کرد. بدین معنا که مردان در رابطه با کارشان است که تعریف می‌شوند و زنان در رابطه با خانواده خود. جامعه‌شناسی سیاسی، زنان و حوزه خصوصی (Private Sphere) را خارج از حوزه سیاست در نظر می‌گرفت. با شکل‌گیری جنبش‌های فمینیستی در اواخر دهه ۱۹۶۰ است که حوزه خصوصی (به‌ویژه کارخانه، مراقبت از کودکان، جنسیت و خشونت مردان علیه زنان) نیز در چهارچوب حوزه «سیاسی» وارد می‌شود. هابرماس (جامعه‌شناس معاصر آلمانی) اصطلاح «حوزه عمومی» را در ارتباط با جامعه مدنی بورژوایی به‌کار می‌گیرد. به اعتقاد او در وضعیت کلامی آرمانی (Ideal Speech Situation) افراد جامعه می‌توانند در شرایطی برابر و بدون اعمال فشار قدرت دولتی به گفت‌وگو و تبادل نظر در حوزه عمومی بپردازند. در واقع هابرماس حوزه عمومی را به‌عنوان پایگاه اصلی افکار عمومی در انتقاد از سیاست‌های نادرست، غیرانسانی، ضدمحیط‌زیستی، غیردموکراتیک دولت‌ها در نظر می‌گیرد. حوزه عمومی در اصل حلقه واسط بین حوزه خصوصی و دولت است.

مکتب‌خانه

چرا فلسفه؟

صالح نجفی: از بخت بد، ما انسان‌ها موجوداتی هستیم که نمی‌توانیم «تنها» زندگی کنیم. لطفاً این جمله را به عنوان فرضی مسلم، عجالتاً، قبول کنید تا بتوانیم ادامه دهیم. گو اینکه حق دارید بپرسید «چرا» یا «از کجا معلوم». و تازه باید به گوینده این جمله گیر بدهید که «چرا از بخت بد؟» و البته می‌توانید گوینده را وادار کنید که در صدور حکمی چنین کمی فروتن‌تر باشد و جانب احتیاط را فرو نگذارد. مثلاً می‌توانید از او بخواهید که بگوید: «ما انسان‌ها موجوداتی هستیم که «تنها» زندگی نمی‌کنیم.» یعنی از او بخواهید که حکم به «نتوانستن» نکند. اینکه به احتمال قریب به یقین هیچ یک از ما کسی را نمی‌شناسد که مطلقاً تنها زندگی کند و منظور از «تنها» معنای ملموس کلمه است نه آنچه به فرض راجع به احساس تنهایی یا غریبگی می‌گوییم. اما خب، قرار شد عجالتاً بپذیریم که ما انسان‌ها «نمی‌توانیم» تنها زندگی کنیم، یعنی تنهایی- حتی تصور تنهایی- در ما خلایی به وجود می‌آورد که تابش نمی‌آوریم و درصدد پر کردنش برمی‌آییم و چه بسا به هر قیمتی. کوششی که برای پر کردن این خلأ به عمل می‌آوریم، نامی دارد: «ارتباط». آدم‌ها مدام درصدد برقرار کردن ارتباط با همدیگرند و اگر بپذیریم که عدم توانایی در برقرار کردن ارتباط همان تنهایی است می‌توانیم حکم ابتدای این نوشته را این‌گونه تکمیل کنیم: «ما انسان‌ها، از بخت بد، موجوداتی هستیم که نمی‌توانیم بدون ارتباط با همدیگر زندگی کنیم.»

چنانکه می‌بینید مدام همه چیز را به زندگی بازمی‌گردانیم، همان‌طور که وقتی می‌خواهیم بگوییم چیزی بسیار اهمیت دارد، آن را «حیاتی» می‌خوانیم (درست است که شاید استعمال کلمه «حیاتی» نتیجه فرهنگ ترجمه باشد اما این دخلی به اهمیت موضوع ندارد. همان‌گونه که بر اثر ترجمه برخی مسائل را موضوع «مرگ و زندگی» می‌خوانیم). جالب توجه است که در حکم‌هایی که تاکنون صادر کردیم می‌توان در مورد اهمیت خود «زندگی» چون و چرا کرد. چرا زندگی کردن این‌قدر مهم است؟ چرا نگران زنده ماندن باید بود؟ چه اهمیتی دارد که بتوانیم یا نتوانیم زندگی کنیم؟ آیا اینکه اکنون «زنده‌ایم» دلیل می‌شود برای «زنده ماندن» تقلا کنیم یا مدام نگران این باشیم که خدای ناکرده یک وقت «زندگی»‌مان از دست نرود؟... باری برای حرف زدن (یا فکر کردن) نیاز داریم یک چیزهایی را قبول کنیم یا وانمود کنیم بعضی چیزها را دربست قبول داریم، برای برقراری ارتباط با دیگران، برای گریز از تنهایی، برای آنکه بتوانیم زندگی کنیم و به زنده ماندن ادامه دهیم نیاز داریم به بعضی چیزها گیر ندهیم، نیاز داریم که در همه حال متـه لای خشخاش نگذاریم، نیاز داریم که درباره برخی چیزها سئوال کنیم؛ برای اینکه بتوانیم به حرف زدن ادامه دهیم ظاهراً باید درباره بعضی چیزها حرف نزنیم!

حال به نقطه عجیب و شاید نامنتظری رسیدیم: اینکه بعضی چیزها هستند که نباید درباره‌شان سئوال کرد (و چه بسا حرف زد و اجازه دهید بگوییم، «فکر کرد»)، چیزی نیست که بتوان با رضایت از کنارش رد شد و به روی خود هم نیاورد.

یک لحظه صبر کنید. این «بعضی چیزها» همان موجوداتی هستند که در این مجموعه نوشته‌ها برایشان نامی یافتیم و بدین ترتیب در دام «زبان» گرفتارشان کردیم: بت‌ها. بت‌ها همان چیزهایی هستند که می‌گویند درباره ما حرف نزنید، چون به نفع خودتان است. اما یک لحظه در این خواهش مشفقانه بت‌ها درنگ کنید: همین که «می‌گوییم» چیزهایی هستند که بهتر است عجالتاً درباره‌شان حرف نزنیم، در حقیقت درباره‌شان حرف زده‌ایم! شاید این فلسفه است که (چون کارش گیر دادن به سئوال‌هایی است که بی‌جواب می‌نمایند) به ما امکان حرف زدن درباره آن «بعضی چیزها» می‌دهد. آری، درباره بت‌ها باید حرف زد، آن هم به زبان «پتک».

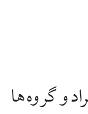

بت‌های ذهنی

لوبیای سحرآمیز در قورمه‌سبزی

علی قلی‌پور: آنچه هنوز نخوانده‌اید ترجمه یکی از مجادلات قلمی مشهور میان کارل پوپر و هربرت مارکوزه است. گفتنی است که شباهت این دو متفکر با آدم‌های واقعی کاملاً تصادفی است.

■ **کارل پوپر:** اکنون که قلم بر دست دارم می‌خواهم انشایی درباره قورمه‌سبزی بنویسم چون قورمه‌سبزی یک نوع خورشت است که آن را با برنج می‌خورند. بعضی‌ها در تابستان با آشپزهای چپ‌دست که بسیار خجالتی هم هستند قورمه‌سبزی درست می‌کنند و از پختن این خورشت شرمنده هستند. اما آشپز چپ‌دستی در رستوران سر کوچه ما هست که همیشه در پاسخ به متقاضیان چلوکباب با جسارت می‌گوید: «چلوکباب نداریم، شرمنده هم نیستیم چون به جاش قورمه‌سبزی داریم.» مهمانان ما قورمه‌سبزی با لوبیا قرمز را بسیار دوست دارند و تا حالا پدرم همه حقوقی را که از بشر گرفته، هزینه پخت قورمه‌سبزی و کشت لوبیا قرمز کرده است. من همیشه در کار آشپزها دخالت می‌کنم تا با دوتا کردن آشپز قورمه‌سبزی را شور و یا بی‌نمک کنم. با شور و یا بی‌نمک شدن قورمه‌سبزی، مهمانان ما دیگر برای شام به خانه ما نمی‌آیند و پدرم همه حقوقی را که از بشر می‌گیرد، پس‌انداز می‌کند. در قورمه‌سبزی ما شنبلیله، تره، لیموعمانی هم هست. اما در قورمه‌سبزی همسایه ما که در حیاط خود غاز دارند و پدر آنها حقوق بیشتری از بشر می‌گیرد چیزهای دیگری هم هست که ما نمی‌دانیم چیست. قورمه‌سبزی بی‌لوبیا لطفی ندارد دل من طاقت دوری ندارد. این بود انشای من.

مناقضه

■ **هربرت مارکوزه:** «صنعت آشپزسازی» همواره در پی تولید قورمه‌سبزی است و تا به حال کمتر کسی را با نام آشپز تولید کرده است. در قورمه‌سبزی‌ها «نام» لوبیاها را چنان «نام ناپذیر» می‌کنند که حتی تشخیص لوبیا چیتی از لوبیا قرمز هم برای آشپزها غیرممکن است.

بحث این نوشته درباره نام لوبیاها نیست بلکه می‌توان بدون توجه به لوبیاها قورمه‌سبزی پخت و هنگام تحویل به متقاضیان قورمه‌سبزی گفت: «نام این غذا قورمه‌سبزی با لوبیا است.» صنعت آشپزسازی با قورمه‌سبزی‌های بی‌لوبیای خود به زودی دود می‌شود و هوا می‌رود چون لوبیای ناموجود (loubia na moojoud) هرگز نمی‌پزد و لوبیای نپخته هم سخت و استوار است. پس هرچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود، نمی‌دونی تا کجا می‌رود. ما از این لوبیاها نداشتیم، مشق‌هایمان را خوب نوشتیم تا توانستیم به لوبیای سحرآمیز دست پیدا کنیم و مثل چیزهای سخت و استوار بدون دود شدن به هوا برویم.

gholipour_a@yahoo.com

جوانان و جهانی شدن

نشست «جوانان و جهانی شدن؛ افق‌ها و چالش‌ها» به منظور ارائه آگاهی‌های لازم به جوانان، آشنا کردن آنها با ابعاد مختلف روند جهانی شدن و نقشی که در این زمینه دارند، از ۱۱ تیر در بحرین آغاز و تا سه روز ادامه دارد. به گزارش مهر به نقل از اخبار الخلیج، نشست «جوانان و جهانی شدن؛ افق‌ها و چالش‌ها» که اولین نشست در زمینه روند جهانی شدن است با مشارکت بیش از ۱۴ کشور عربی و اسلامی متشکل از زنان و مردان برگزار می‌شود و به بررسی ابعاد مختلف جهانی شدن اختصاص دارد. از آنجایی که شناخت مسئله جهانی شدن و ماهیت آن برای جوانان امر بسیار مهمی است، در این نشست سعی می‌شود تا از طریق کلاس‌ها و کارگاه‌های عملی آن را برای جوانان قابل لمس کرده تا بیشتر با روند جهانی شدن آشنا شوند. در این نشست که شرکت‌کنندگان از ۱۶ تا ۲۵ ساله هستند، سخنرانان پنج محور را برای آنها توضیح و تبیین می‌کنند. محور اول جهانی شدن از بعد سیاسی است که هویت و پیشرفت را در جوامع بین‌المللی با در نظر گرفتن روند جهانی شدن مطرح می‌کند. در بخش اقتصادی، تجارت آزاد مطرح می‌شود تا جوانان مقصود و ماهیت تجارت را دریافته و با سودآوری مشروع آشنا شوند. محور سوم تکنولوژی است. با توجه به اینکه عصر، عصر تکنولوژی، پیشرفت و اینترنت است، در این بخش به جوانان آموزش استفاده از این تکنولوژی را در کنار بررسی‌های مثبت و منفی آن یادآوری می‌کنند. بررسی فرهنگ در روند جهانی شدن محور چهارم این نشست است که از فکر و فرهنگ خود استفاده کرده و با آموزش، تکنولوژی‌های لازم را فراگیرند. محور پنجم بررسی ابعاد تمدن در روند جهانی شدن است که به جوانان حفظ هویت، تمدن و آگاهی و اطلاع‌رسانی از فرهنگ و تمدن را یادآوری خواهند کرد. از آنجایی که بیداری و آگاهی جوانان مسئله‌ای بسیار مهم است.

بزرگ‌ترین نمایشگاه اسلامی اروپا در لندن

بزرگ‌ترین نمایشگاه فرهنگی مسلمانان اروپا از روز پنجشنبه ۱۵ تیرماه با هدف اشاعه درک بهتر از دین، تاریخ و جامعه اسلامی در لندن برگزار می‌شود تا به ایجاد پلی میان جهان اسلام و غرب کمک کند. به گزارش مهر به نقل از اسلام آن‌لاین برگزارکنندگان این همایش طی بیانیه مطبوعاتی خود اعلام کردند: در فضای پرتنش همراه با بحث‌هایی که درباره برخورد تمدن‌ها ایجاد شده، نیاز برای ایجاد پلی میان فرهنگ‌ها بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. این نمایشگاه سالانه دربرگیرنده همایش‌ها، سخنرانی‌ها و سمینارهایی با حضور سخنران‌های برجسته درباره موضوعاتی چون هنر، ادبیات، علم، معماری، تکنولوژی، الهیات و سیاست است. نمایشگاه بزرگ اسلامی لندن همچنین شامل نمایش فیلم، گالری عکس از کشورهای اسلامی و کنسرت‌های موسیقی است. مجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی نیز در حاشیه این رویداد چهارروزه مورد توجه قرار خواهد گرفت. بیش از ۱۵۰ نفر برای ارائه آثار، اشیا و خدمات خود از بریتانیا، کشورهای خاورمیانه، اروپا، آسیا، استرالیا و آمریکا در بزرگ‌ترین نمایشگاه اسلامی اروپا در لندن شرکت می‌کنند. در میان شخصیت‌های نامی که در مراسم افتتاحیه این نمایشگاه شرکت می‌کنند، می‌توان به طارق رمضان عالم برجسته اسلامی، کن لیوینگستون شهردار لندن، دکتر عبدالباری رئیس شورای مسلمانان بریتانیا و نورمن کمبر از گروه‌های صلح‌طلب مسیحیان اشاره کرد.

خبرچین

هنر واگنر و تفکر نیچه

علاءالدین حسینی: فردریش ویلهلم نیچه (۱۹۰۰-۱۸۴۴) فیلسوف آلمانی شدیداً تحت تاثیر فلسفه شوپنهاور بود. نگاه او به هنر در کل و موسیقی به‌طور خاص شبیه نگاه شوپنهاور است، با این تفاوت که آن ناامیدی که در فلسفه شوپنهاور موج می‌زند در اینجا آنچنان مشهود نیست. او همچون شوپنهاور نگاهی خاص به موسیقی دارد. تضاد بین دو رب‌النوع یونان باستان - دیونوسوس و آپولون- یکی از پایه‌های بنیادی فلسفه نیچه را تشکیل می‌دهد. آپولون خدای عقل و روشنگری و معرف نظم، اندازه و عدد است. او فرمانروای جهان درون خیال و رویاست. دیونوسوس بر عکس خدای آزادی، مستی و سرخوشی است. این یکی نماینده عنصر احساس وهنر دیونوسوسی در ایده‌آل خود نماینده موسیقی است، و آن یکی باهنرهای تجسمی و بیشتر از همه مجسمه‌سازی مرتبط است. دیونوسوس عمل‌گرا است و منادی آزادی و سرمستی انسان - او هر سدی را در هم می‌شکند. آپولون اهل اندیشه و تعقل است اما دیونوسوس مبارزه‌طلب و بی‌باک و لذا به زعم نیچه با آرامشی که مسیحیت دنبال آن است سازگار نیست. پس نیچه ستایشگر موسیقی است چون هنری دیونوسوسی است - اما نه هر موسیقی چرا که او بر موسیقی باروک که تابع قواعد و قوانین خشک، ریاضی و پیچیده فوگ و کنترپوان است می‌تازد- و بهترین مدل دیونوسوس زمان خود را در واگنر می‌جوید. نیچه خود پیانو می‌زد و چندین آهنگ نیز تصنیف کرده بود. پس موسیقی را خوب می‌شناخت و زمانی که جسارت و بی‌باکی ریشارد واگنر را در آثارش دید، به تدریج او را در قالب اسطوره‌های قهرمانی که ستایشگر آنان بود قرار داد. استفاده وسیع واگنر از آتونالیته - که اهمیت نت مرکزی یک گام موسیقی در آن کمرنگ می‌شود- و فواصل نامطبوع برای نخستین بار در تریستان و ایزولده که با سلیقه موسیقایی آن زمان ناهمگون بود جسارتی خاص می‌طلبید که واگنر واجد آن بود. جالب آن که واگنر نیز همچون نیچه مرید شوپنهاور و عقاید فلسفی او در زمینه موسیقی بود. او آرای شوپنهاور را با نظریه «اثر هنری جهانشمول» Gesamtkunstwerk که خود واضع آن بود سازگار می‌دید. طبق این نظر تمام هنرها با هم می‌آمیزند و همگی در خدمت خلق موسیقی - اپرا هستند. بعید نیست که اگر نیچه قبل از شوپنهاور فلسفه خود درباره موسیقی را ارائه می‌داد، واگنر بی‌چون و چرا آن را می‌پذیرفت، چه او بیشتر دنبال مهر تاییدی بر نظر خود بود، حال این مهر تایید از هر که باشد، باشد. واگنر قبل از این که فیلسوف باشد یک هنرمند بود و در فلسفه یک آماتور به شمار می‌رفت، پس برداشتی ناقص از افکار نیچه برای او کفایت می‌کرد. اما شاید انتظاری که نیچه از واگنر داشت، فراتر از این بود. نیچه در محل اقامت واگنر در تریبشن (triebschen) با او آشنا شد. مباحثی که این دو داشتند ساعت‌ها به طول می‌انجامید و اگر چه در جزئیات اختلافاتی داشتند، در کلیات متحدالقول بودند. نیچه در جست‌وجوی حقیقت بود و تمام عمر خود را در جست‌وجوی آن گذراند. اما واگنر نیک می‌دانست که اگر بخواهد تماشاگر/ شنونده آثارش را به سالن‌های اپرا بکشاند، ناچار است از حقیقت فاصله بگیرد و از افسانه‌ها سود جوید، تا جایی که واگنر در آخرین اثر خود- پاسیفال- به نقل داستانی از مسیحیت روی آورد که برای نیچه دلزده از مسیحیت قابل قبول نبود.

ارغنون

جامعه‌شناسی دین در موسسه گفت‌وگوی ادیان

بیست و پنجمین نشست علمی موسسه گفت‌وگوی ادیان با حضور قربان علمی دانشیار ادیان و عرفان دانشگاه تهران با عنوان جامعه‌شناسی دین برگزار شد. قربان علمی دانشیار ادیان و عرفان دانشگاه تهران سه‌شنبه گذشته در بیست و پنجمین نشست از سری سخنرانی‌های علمی موسسه گفت‌وگوی ادیان به بحث جامعه‌شناسی دین پرداخت. او در ابتدای سخنان خود گفت: مطالعه تاریخ جوامع بشری بیانگر آن است که دین عنصری پایدار، موثر و نیرومند در همه آن جوامع بوده و در فرهنگ جوامع بشری نقشی محوری داشته است به همین دلیل شناخت دین جزء ضروری شناخت جامعه انسانی است. علمی ادامه داد: جوامع انسانی برای بقای خود به تداوم این انتظار که اعضای‌شان الزامات شناخته شده را برآورده می‌کنند، وابسته است.

افزون بر آن، اگر توافق همگانی بر سر طبیعت و دامنه این الزامات اجتماعی وجود نداشته باشد و در این موارد پاداش‌ها و مکافات‌هایی در نظر گرفته نشود، خطر از هم‌پاشی جوامع انسانی وجود دارد. پس وجود توافقی بر سر ماهیت این الزامات اساسی و نیز وجود قدرتی که افراد و گروه‌ها را وادار کند تا آنها را عهده‌دار شوند، برای برقراری حداقل نظم اجتماعی لازم است.

به گزارش آفتاب‌نیوز، علمی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: جامعه‌شناسان دین از آن جهت به دین علاقه‌مندند که دین عملکرد عمومی در جوامع انسانی است. از آنجا که جامعه‌شناسی امور و پدیده‌های اجتماعی را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد و بخشی از امور اجتماعی را دین تشکیل می‌دهد، جامعه‌شناسی با دین ارتباط پیدا می‌کند و جامعه‌شناسی دین به‌وجود می‌آید. بنابراین، دین نه تنها با جامعه‌شناسی رابطه دارد، بلکه یکی از موضوع‌های مهم تحقیقی جامعه‌شناسی به شمار می‌رود. وی سپس به تعریف جامعه‌شناسی دین پرداخت و تصریح کرد: جامعه‌شناسی دین دانشی است که رفتار دینی گروه‌ها و جماعات، نقش اجتماعی دین و تعامل انگیزه‌ها و الزامات دینی با نهادهای مختلف اجتماعی، ویژگی‌های اجتماعی دین‌های گوناگون و رابطه تحولات اجتماعی و دین را بررسی می‌کند. علمی سپس با نگاهی تاریخی به جامعه‌شناسی دین گفت: مطالعه سیستماتیک و عینی روابط دین و جامعه از پیش از آگوست کنت- که لفظ «جامعه‌شناسی» را وضع کرد- وجود داشته است.

خبرچین